

## اقتصاد ترجمه: برآورد تابع درآمدی مترجمان ادبی ایران<sup>۱</sup>

لیلا السادات میرصفیان\*

حسین پیرنجم الدین\*\*، داریوش نژادانصاری\*\*

### چکیده

در ادبیات اقتصاد فرهنگ، نویسندگان در دسته هنرمندان قرار می‌گیرند، اما اقتصاددانان فرهنگ به رغم وجوه مشترک فراوان میان مترجمان ادبی و نویسندگان در بازار کار، مترجمان را تقریباً نادیده گرفتند. این مقاله قصد دارد با بهره‌گیری از پژوهش‌های اقتصاددانان فرهنگ درباره‌ی بازار کار هنرمندان و معدود مطالعات اجتماعی-اقتصادی پژوهشگران مطالعات ترجمه، ویژگی‌هایی را بیابد که درآمد مترجمان ادبی ایران را به بهترین نحو توضیح دهند. هدف ضمنی این مقاله ایجاد پیوند میان ترجمه‌پژوهی و اقتصاد فرهنگ است. ناگفته پیداست پژوهش‌های بیشتر درباره‌ی بازار کار مترجمان از یک طرف و بازار کار هنرمندان از طرف دیگر می‌توانند به فهم هم‌دیگر کمک کنند و نهایتاً هر دو حوزه به غنای بیشتری دست یابند. واکاوی‌های اولیه‌ی داده‌های به دست آمده از مصاحبه با ۱۱۸ مترجم ادبی وجوه اشتراک برجسته‌ای میان بازار کار آن‌ها و بازار کار هنرمندان نشان می‌دهد، از جمله درآمد پایین، چندپیشگی، و نقش کم‌رنگ تحصیلات آکادمیک. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه روشن کرد که از میان تجربه، تحصیلات عالی، فاصله‌ی شغلی، ساعت کاری، جوایز دریافتی، عضویت در هیئت داوری جوایز و هیئت تحریریه‌ی

---

\* دانشجوی دکتری ترجمه، دانشگاه اصفهان، leila.mirsafian@gmail.com  
\*\* دانشیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)،  
pirnajmuddin@fgn.ui.ac.ir  
\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان،  
d.nejadansari@fgn.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۲/۰۲

مجلات ادبی، تنها متغیری که اثر مستقیم و مثبت بر درآمد مترجم می‌گذارد تعداد جوایز دریافتی اوست. تحصیلات عالی و ساعات کاری اثر مستقیم و منفی دارند و مترجمان ادبی مرد و مترجمان ادبی تهران‌نشین به ترتیب از مترجمان ادبی زن و مترجمان ادبی ساکن شهرهای دیگر درآمد بیشتری کسب می‌کنند.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد فرهنگ، درآمد مترجمان ادبی، بازار کار مترجمان، ترجمه پژوهی؛

طبقه بندی JEL: Z11, N35, J01

## ۱. مقدمه

بازار کار مترجمان و سایر هنرمندان وجوه مشترک بسیاری دارند. اما، پژوهش درباره آن‌ها نادر است (Gazzola, Grin, and Wickström, 2016: 90). در واقع، هم اقتصاددانان فرهنگ در بررسی بازارهای کار هنرمندان و هم ترجمه‌پژوهان در گزارش نرخ‌های ترجمه، بررسی بازار کار مترجمان را عمدتاً نادیده گرفته‌اند (مقایسه کنید با Gazzola, Grin, and Wickström, 2016؛ Heilbron and Sapiro, 2016). بیشتر پیشگامان اقتصاد فرهنگ اهل کشورهایی هستند که زبانشان در مرکز نظام جهانی ترجمه (Global system of translations) جای دارد. به بیان دیگر، این زبان‌ها زبان اصلی بیشتر ترجمه‌های جهان هستند و در میان کتاب‌های منتشرشده به این زبان‌ها سهم ناچیزی به ترجمه می‌رسد. در واقع در کشورهایی که به زبان‌های مرکزی سخن می‌گویند، مانند کشورهایی با «فرهنگ انگلوساکسون»، مترجمان «نامرئی» به نظر می‌رسند (Venuti, 1995: فصل ۱). این نقش ناچیز مترجمان می‌تواند روشن کند که چرا مترجمان برای اقتصاددانان فرهنگ، که بازار کار گروه‌های مشابه را بررسی می‌کنند، موضوع مهمی به حساب نیامده‌اند (برای نمونه، Wassall and Alper, 1985؛ Thorsby and Zednik, 2010). با این که سرشماری سال ۱۹۸۰ در ایالات متحد مترجمان را در دسته‌ی هنرمندان قرار می‌داد، واسال و آلپر (۱۹۸۵) آن‌ها را از پیمایش خود حذف کردند.

ترجمه‌پژوهان نیز در بررسی‌های اقتصادی‌شان بیشتر ترجمه را، و نه مترجمان یا بازار کارشان را مطالعه کرده‌اند. تنها نمونه استثنایی اثر پیم (Pym) و همکاران (۲۰۱۲) است. این پژوهشگران بررسی کرده‌اند که مدارک تحصیلی، گواهینامه‌ها و عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای چگونه می‌توانند جایگاه مترجمان را در بازار کار علامت دهند، آن‌هم به شکلی که مترجمان ذی‌صلاح میل بیشتری به فعالیت در بازار داشته باشند. آنچه موجب تفاوت این

پژوهش با موارد اندک مشابه شده است ارائه‌ی توابع درآمدی بر اساس داده‌های موجود در انجمن فرانسوی مترجمان (Société Française des Traducteurs) (SFT) است (Pym et al., 2012: 101-111). بنا بر معادله‌ی گزارش‌شده، متغیرهای مؤثر بر معادل درآمد تمام‌وقت مترجمان از این قرارند:

- ترکیب زبانی ترجمه: مترجمان فرانسوی به انگلیسی دستمزد بیشتری نسبت به مترجمان انگلیسی به فرانسوی و آلمانی به فرانسوی دریافت می‌کنند؛
- جنسیت: مترجمان زن درآمد کمتری دارند؛ اما پژوهشگران احتمال می‌دهند سرعت متفاوت ترجمه بین مترجمان زن و مرد تا اندازه‌ای دخیل باشد؛
- عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای: مترجمان عضو SFT درآمد بیشتری نسبت به هم‌تایان غیرعضو خود دارند؛
- پایتخت‌نشینی: مترجمان ساکن پاریس درآمد بیشتری از هم‌تایان غیرپاریس‌نشین خود دارند؛
- تجربه: تعداد سال‌های تجربه «تأثیر متوسط و بسیار پایداری» بر درآمد دارد و
- تحصیلات عالی رسمی: تعداد سال‌هایی که مترجمان مشغول تحصیلات عالی بوده‌اند نیز تأثیری نه چندان قوی در درآمد دارد.

این نتایج ظاهراً گویای تفاوت‌هایی میان الگوی درآمدی مترجمان و هنرمندان هستند: سرمایه‌ی انسانی، در قالب تجربه و تحصیلات رسمی، اثر مثبتی در درآمد مترجمان نشان داده است، در حالی که تأثیر ناچیزی بر درآمد هنرمندان دارد (مثلاً: Withers, 1985؛ Alper and Wassall, 2006؛ Towse, 2014؛ Wassall and Alper, 1985).

از آن جایی که زبان فارسی در زمره‌ی زبان‌های حاشیه‌ای نظام جهانی ترجمه است (Heilbron and Sapiro, 2007, 2016)، هر سال ترجمه‌های ادبی بسیاری منتشر می‌شوند<sup>۲</sup>، مترجمان ادبی را نمی‌توان در میدان ادبی ایران نادیده گرفت. برخی از مترجمان ادبی از چنان جایگاهی برخوردارند که می‌توانند نویسندگان خارجی را تقدس ببخشند (Casanova, 2002). اهمیت این مترجمان پژوهش درباره‌ی بازار کار و درآمدشان را طلب می‌کند. از طرف دیگر ترجمه‌ی ادبی نیازمند سطوح بالای خلاقیت است و این موضوع مترجمان ادبی را به هنرمندان مورد مطالعه‌ی اقتصاددانان فرهنگ نزدیک‌تر می‌کند. همین است که به ما اجازه می‌دهد بازار کار مترجمان ادبی را در رویکردی میان‌رشته‌ای و با توجه

به یافته‌های اقتصاددانان فرهنگ بررسی کنیم. چرا که «مطالعات میان‌رشته‌ای در اقتصاد فوایدی فراتر از یافته‌های رشته‌های مستقل در بر داشته است و ... دیگر سؤال‌های یک رشته را فقط با کمک نظریه‌های همان رشته نمی‌توان پاسخ داد و برای حل آن‌ها به همکاری و کاربرد الگوها، نظریه‌ها و تخصص‌های دیگر رشته‌ها نیز نیاز است» (دادگر، ۱۳۹۵: ۴۸)

## ۲. ویژگی‌های بازارهای کار هنری

اقتصاددانان فرهنگ بارها بر ویژه بودن بازار کار هنر تأکید کرده‌اند. اگرچه بسیاری از این ویژگی‌ها را می‌توان در بازارهای کار غیرهنری نیز یافت، حضورشان در بازارهای کار هنری بسیار پررنگ‌تر است، ویژگی‌هایی مانند انگیزه‌ی غیرمادی، درآمد پایین، نابرابری درآمدی، ستارگی، جریمه‌ی درآمدی بالا، دوره‌های بیکاری، انعطاف‌پذیری شغلی، چندپیشگی، اهمیت اندک سرمایه‌ی انسانی، تنگنای بقا و مانند آن (Wassall and Menger, 2001, 2006؛ Thorsby and Zednik, 2011؛ Alper, 1985؛ Alper and Wassall, 2006؛ Alper, 2006, 2010؛ Towse, 2001, 2006, 2010؛ Frank and Cook, 1995؛ Rosen, 1981؛ Thorsby, 1994a). در دنباله برخی از این ویژگی‌ها به تناسب اهمیتشان در موضوع این مقاله و ارتباطشان با بازار کار مترجمان ادبی ایران خلاصه شده‌اند.

### ۱.۲ انگیزه، درآمد پایین، چندپیشگی

یکی از ویژگی‌های بازارهای کار هنری سطح بالای انگیزه‌ی درونی است. برونو فری (Bruno Frey) (۱۹۹۷)، در کتاب *نه فقط به خاطر پول*، خاطرنشان می‌کند که اگر ارائه‌دهندگان انگیزه‌ای درونی داشته باشند، خدمات هنری، خلاق و نوآورانه را با کارایی بیشتری ارائه می‌کنند و پاداش‌های بیرونی ممکن است نامناسب و بازدارنده باشند. روث توس (Ruth Towse) در مقاله‌ای به نام «تا اندازه‌ای برای پول» در واقع مفهوم مشابهی را طرح می‌کند. وی «پرداخت پولی» را نوعی «ابزار رتبه‌بندی» می‌انگارد که اندکی به انگیزه‌ی درونی پاسخ می‌دهد (Towse, 2001: 487). او همچنین جوایز مالی، کمک‌هزینه‌ها، نشان‌های افتخار، قانون کپی‌رایت و دوره‌های آموزشی را پاداش‌هایی درونی و بیرونی از سوی دولت و بازار می‌داند.

روی دیگر سکه‌ی انگیزه برای هنرمندان درآمد پایین است (Throsby, 1994a, 1994b)؛ (Abbing, 2002؛ Towse, 2014). ایننگ (۲۰۰۲) انتخاب شغل هنری را تصمیم اشتباه اقتصادی می‌داند چرا که میانگین درآمد «به شدت پایین» پایین است (Abbing, 2002: 113)، اما سانتوس (Santos) (۱۹۷۶) هنرمندان را خطرپذیرانی می‌داند که مایل به انجام کار در ازای درآمد پایین هستند. با وجود این، دلایل دیگری هم برای درآمد عموماً پایین در هنر و ترجمه آورده‌اند، از جمله مازاد نیروی کار، نظام ستارگی و نبود نظام علامت‌دهی کارآمد (Abbing, 2002؛ Chan, 2008؛ Pym et al., 2012). هنرمندان معمولاً با دوره‌هایی از بیکاری و پرداخت‌های نامنظم روبه‌رو هستند. بنابراین، برای تأمین مخارج ناچار به جستجوی سایر منابع درآمدی می‌روند و بدین ترتیب، چندپیشگی به ویژگی بازار کار هنر بدل می‌شود. چندپیشگی را راهبرد مدیریت ریسک (Menger, 2006) و خودیارانه‌دهی (Abbing, 2002) نیز تعریف کرده‌اند. همین امر درباره‌ی بازار کار مترجمان ادبی ایران صدق می‌کند.<sup>۳</sup>

دو مفهوم مشابه دیگری که برخی اقتصاددانان فرهنگ مطرح کرده‌اند نابرابری درآمدی (Alper and Wassall, 2006) و ستارگی (Rosen, 1981) است. درآمد هنرمندان طیف بسیار گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که از درآمد گروه‌های همسان خود در سایر مشاغل پایین‌تر است. اما توزیع همین درآمدها به ترتیبی است که عده‌ی اندکی درآمد بالا و عده‌ی زیادی درآمد پایین دارند. به عبارت دیگر، بازار کار هنرمندان بازار برنده‌صاحب همه‌چیز (Winner-take-all market) است (Frank and Cook, 1995). همین مفهوم در قالب دنباله‌ی دراز نمودار درآمدی نیز مطرح شده است (Towse, 2010). توس معتقد است نمودار توزیع درآمد هنرمندان بسیار چوله است و این موضوع در نمودار درآمدی آن‌ها بروز می‌یابد.

## ۲.۲ اشکال سرمایه

از نظر بوردیو (Bourdieu) (۱۹۸۶)، اشکال سرمایه ریشه‌ی اقتصادی مشترک دارند اما هر شکل به همان اندازه‌ای که ریشه را پنهان کند می‌تواند ماهیت ویژه‌ی خود را نشان دهد. سرمایه‌ی اجتماعی متشکل از روابط اجتماعی است و سرمایه‌ی نمادین به شکل «شایستگی مشروع» بازشناخته می‌شود (Bourdieu, 1986: 245). بعضی از اشکال غیراقتصادی سرمایه عبارت‌اند از جایزه، اثر چاپ‌شده در انتشاراتی معتبر (هر دو سرمایه‌ی نمادین)، عضویت در انجمن حرفه‌ای، هیئت تحریریه، هیئت داوری (هر سه سرمایه‌ی اجتماعی و بالقوه نمادین)، و مدرک تحصیلی از مؤسسه‌ای معتبر (سرمایه‌ی فرهنگی، انسانی و بالقوه نمادین). اشکال

متفاوت سرمایه می‌توانند در شرایط خاص به سرمایه‌ی اقتصادی تغییر شکل دهند. بدین ترتیب، مثلاً بردن جایزه یا پیوستن به انجمنی حرفه‌ای می‌تواند عملاً به افزایش درآمد بینجامد. در همین راستا، طبق یافته‌های پیم و همکاران (۲۰۱۲)، به شرط ثابت ماندن سایر شرایط، عضویت در انجمن فرانسوی مترجمان (SFT) درآمد ساعتی مترجمان را ۱۰ درصد افزایش می‌دهد.

شکل دیگری از سرمایه، سرمایه‌ی انسانی است که عموماً با تحصیلات و تجربه اندازه‌گیری می‌شود (Throsby and Zednik, 2010). بسیاری از پژوهش‌های اقتصاد فرهنگ معطوف به ارزیابی اهمیت سرمایه‌ی انسانی در درآمد هنرمندان بوده‌اند و بیشترشان به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه‌ی انسانی اگر هم نقشی در درآمد هنری داشته باشد بسیار کم‌رنگ است (Throsby, 1992; Withers, 1985; Wassall and Alper, 1985). برای دستیابی به مرور پژوهش‌های درباره‌ی اثر سرمایه‌ی انسانی در بازار کار هنرمندان نگاه کنید به Towse, 2006). نقش کم‌رنگ تحصیلات رسمی و تجربه در درآمد هنرمندان بعضی از پژوهشگران، مانند ویدرز (۱۹۸۵)، را بر آن داشته تا نقشی برای استعداد قائل شوند.

### ۳. روش پژوهش

این مقاله بخشی از یافته‌های پژوهشی گسترده‌تر درباره‌ی بازار کار مترجمان ادبی ایران را ارائه می‌کند که طی آن با ۱۲۲ تن از مترجمان ادبی مصاحبه شده است. در دنباله شرکت‌کنندگان در پژوهش، روش گردآوری داده‌ها و چرایی انتخاب متغیرها بحث می‌شود.

### ۱.۳ شرکت‌کنندگان

مشخص کردن اعضای گروه‌های شغلی، مانند مهندسان عمران یا متخصصان اطفال، معمولاً کار دشواری نیست. اما وقتی پای مترجمان ادبی، یا مشاغل مشابه مانند هنرمندان، در میان باشد، هر کس می‌تواند خود را زیر این عناوین شغلی جای دهد چرا که شرط رسمی برای چنین خودخواندگی‌هایی وجود ندارد و ارائه‌ی تعریفی خاص از چنین گروه‌های شغلی در هر پیمایش و پژوهشی از همین جا ناشی می‌شود (Wassall and Alper, Pym et al., 2012: 3). (1985: 14).

جمعیت مورد مطالعه‌ی این پژوهش را مترجمان ادبی با سه شرط ذیل تشکیل می‌دهند: (۱) انتشار دست‌کم ۵ کتاب ترجمه‌ی ادبی، (۲) انتشار یک ترجمه‌ی ادبی در ۳ سال منتهی به آغاز پژوهش، و (۳) داشتن دست‌کم ۵ سال تجربه در ترجمه‌ی ادبی. هدف این شروط بیرون گذاشتن افرادی است که ترجمه‌ی ادبی را امتحان می‌کنند و در اثر نتیجه‌ای نامطلوب یا کاهش علاقه و مثل آن، زود از بازار کناره می‌گیرند. به همین علت، از میان فهرستی از ۳۳۴ مترجم ادبی دارای سه شرط فوق، ۱۲۲ نفر به صورت تصادفی برای شرکت در این پیمایش انتخاب شدند.

### ۲.۳ ابزار گردآوری داده‌ها

بخش بزرگی از پیمایش را می‌شد با استفاده از پرسشنامه‌ای پستی به انجام رساند، اما با هدف نیل به پاسخ‌های کامل‌تر و نیز یافتن اطلاعات جانبی برای پژوهش‌های احتمالی بیشتر، ابزار مصاحبه برای گردآوری داده‌ها ترجیح داده شد. پس از انجام مرحله‌ی پایلوت با پنج مترجم ادبی، ترتیب و واژه‌بندی برخی از پرسش‌ها اصلاح شد. در تعیین پرسشنامه‌ی مصاحبه هم‌چنین از نظر دو سرویراستار از دو انتشارات معتبر استفاده شد، چرا که این افراد به بسیاری از جنبه‌های بازار کار مترجمان ادبی واقف هستند.

پس از انجام مرحله‌ی میدانی و تکمیل مصاحبه‌ها، از آنجایی که چهار مصاحبه شونده از پاسخ به تعدادی از پرسش‌ها تن زده بودند، آن‌ها را از محاسبه کنار گذاشتیم. محاسبات نهایی با استفاده از نرم‌افزار اس پی اس اس ۲۳ بر روی داده‌های ۱۱۸ مترجم ادبی انجام شد.

به منظور تخمین درآمد ترجمه‌ی ادبی، متغیرهای بسیاری در محاسبات آماری اولیه وارد شدند اما متغیرهای نهایی در تحلیل رگرسیون چندگانه با توجه به ادبیات موجود و دستیابی به بهترین ضریب تعیین ( $R^2$ ) تعیین شدند. در توابع درآمدی عموماً تجربه، مربع تجربه، و نشانه‌ای از سطح تحصیلات به عنوان متغیر به کار می‌روند (Mincer, 1974)، هرچند پژوهشگرانی که گروه‌های مختلف شغلی را بررسی می‌کنند ممکن است متغیرهای دیگری برای سنجش اثر احتمالی‌شان به چنین توابعی بیفزایند. با توجه به آن چه گفته شد، متغیرهای به کار رفته در تحلیل رگرسیون چندگانه برای توضیح درآمد حاصل از ترجمه‌ی ادبی از قرار زیرند:

- تجربه (تعداد سال)

- مربع تجربه
- تعداد جوایز دریافتی
- تعداد عضویت در هیئت‌های داوری و هیئت‌های تحریریه
- تحصیلات عالی (تعداد سال‌های حضور در دانشگاه‌ها یا مؤسسه‌های آموزش عالی)
- جنسیت (صفر = مرد، یک = زن)
- فاصله‌ی شغلی (صفر = پاسخگو فقط مترجم ادبی است، یک = پاسخگو به غیر از ترجمه‌ی ادبی شغل دیگری مرتبط با ترجمه دارد، دو = پاسخگو به غیر از ترجمه‌ی ادبی شغل دیگری نامرتبط با ترجمه دارد)
- تعداد ساعات کار در ماه
- محل سکونت (صفر = تهران، یک = غیر تهران)

بعضی از متغیرها نشانه‌ی یکی از اشکال سرمایه هستند: تجربه و تحصیلات عالی نشانه‌ی سرمایه‌ی انسانی، تعداد جوایز دریافتی نشانه‌ی سرمایه‌ی نمادین، تعداد عضویت در هیئت‌های داوری و هیئت‌های تحریریه نشانه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی. مربع تجربه به این دلیل وارد معادله می‌شود که کاهش احتمالی اثر احتمالاً مثبت تجربه بر درآمد را نشان دهد. همچنین، از آن جایی که چیزی از شکل‌گیری انجمن‌های حرفه‌ای مترجمان در ایران نمی‌گذرد، این انجمن‌ها عمدتاً مترجمان تازه‌کار را به خود جلب می‌کنند و عضویت در آن‌ها برای مترجمان حرفه‌ای امتیازی به حساب نمی‌آید. از این رو، متغیر «عضویت انجمن» که در پژوهش پیم و همکاران (۲۰۱۲) به کار رفته بود، جای خود را در پژوهش حاضر به عضویت در هیئت‌های داوری و هیئت‌های تحریریه داده است. افزون بر این، متغیر «فاصله‌ی شغلی» به ما می‌گوید که پاسخگو برای تأمین منابع درآمد کاری خود چه فاصله‌ای از ترجمه‌ی ادبی می‌گیرد.

متغیر «تحصیلات عالی» بر حسب تعداد سال‌هایی سنجیده می‌شود که پاسخگو در دانشگاه‌ها یا مؤسسه‌های آموزش عالی گذرانده است. این ارائه‌ی فاصله‌ای متغیر که با پیروی از پیم و همکاران (۲۰۱۲) انتخاب شده است بهتر از استفاده از متغیری ترتیبی است که مدرک تحصیلی را نشان می‌دهد و به مدت زمان تحصیل توجه چندانی نمی‌کند. همچنین در این مقاله، منظور از تحصیلات عالی زمانی نیست که در آموزش‌های خصوصی



کوتاه‌مدت صرف شده باشد چرا که آموزش‌های خصوصی مفهومی عملیاتی متفاوتی برای پاسخگویان داشت.

درآمد مترجمان ادبی در دوره‌های زمانی منظم، مثلاً ماهانه، به دست نمی‌آید. تقریباً تمامی پاسخگویان به سختی درآمد ترجمه‌ی ادبی‌شان را تعیین کردند و علت این سختی را پرداخت بسیار نامنظم معرفی می‌کردند. بنابراین، رقم دریافتی‌شان را به همراه مدت زمانی ذکر می‌کردند که طی آن چیزی دریافت نکرده بودند و درآمد ماهانه به این ترتیب تخمین زده شد. از آن جایی که این درآمد ماهانه در ازای ساعات کاری متفاوتی بود و پاسخگویان ساعات کاری خود را مشخص کرده بودند، درآمد ماهانه با تقسیم بر ساعات کار ماهانه به درآمد ساعتی تبدیل شد. به منظور همگن کردن واریانس درآمد ساعتی، لگاریتم طبیعی آن به عنوان متغیر وابسته تعیین شد. این موضوع در تفسیر ضرایب متغیرهای مستقل در رگرسیون چندگانه نیز لحاظ شد.

## ۴. نتایج و بحث

### ۱.۴ ویژگی‌های بازار کار مترجمان ادبی

متوسط شرکت‌کنندگان حدود ۵۳/۸ سال بود. ترکیب جنسیتی ۲۴/۶ درصد (۲۹ نفر) زن و ۷۵/۴ درصد (۸۹ نفر) مرد را نشان می‌داد. در بسیاری از پژوهش‌های بازار کار هنری و ترجمه ترکیب جنسیتی میان زن و مرد یا تقریباً برابر است و یا زنان کفهی سنگین‌تر را تشکیل می‌دهند. در پژوهش پیم و همکاران (۲۰۱۲) زنان ۷۸٪ مترجمان را تشکیل می‌دادند؛ دیوید تراسبی و کاتیا پتسکایا (David Throsby and Katya Petetskaya) (۲۰۱۷) در ششمین مطالعه‌ی اقتصادی هنرمندان حرفه‌ای در استرالیا، زنان نویسنده را ۶۵٪ کل نویسندگان مورد مطالعه گزارش کرده‌اند. البته مشارکت اندک زنان در ترجمه‌ی ادبی را می‌توان به مشارکت اندک‌شان در کل بازار کار ایران نسبت داد (۱۴/۹٪ تا ۱۷٪) (Financial Tribune, 2017; ILO, 2019).

اگرچه ناشران تهرانی تقریباً تمامی ترجمه‌های این پاسخگویان را به چاپ رسانده‌اند، ۱۷/۸ درصد پاسخگویان در شهری به غیر از تهران زندگی می‌کنند.

تجربه‌ی بالقوه را معمولاً با فرمول زیر می‌سنجند:

تجربه‌ی بالقوه = سن پاسخگو منهای (تعداد سال‌های تحصیل + سن ورود به مدرسه)

اما، از سویی بسیاری از مترجمان ادبی ایرانی نخستین ترجمه‌ی ادبی‌شان را در طول تحصیلات عالی یا حتی پیش از آن منتشر کرده‌اند و، از سوی دیگر، بعضی از مترجمان ادبی حرفه‌ای مصاحبه‌شده پس از صرف زمانی نسبتاً طولانی در مشاغل دیگر وارد بازار کار ترجمه‌ی ادبی شده‌اند. بنابراین، از آن جایی که فرمول محاسبه‌ی تجربه بر اساس ادبیات موجود نمی‌تواند به درستی تجربه‌ی پاسخگویان این پژوهش را نشان دهد تصمیم بر این شد که تجربه را بر اساس فرمول زیر به دست آید:

تجربه = سن پاسخگو منهای سن وی به هنگام انتشار اولین ترجمه‌ی ادبی‌اش  
 بدین ترتیب، میانگین تجربه‌ی پاسخگویان ۲۵/۱ سال بود. با وجود این، ضریب همبستگی پیرسون که برای بررسی رابطه‌ی میان دو تجربه با تعاریف متفاوت محاسبه شد رابطه‌ی مثبت، مستقیم و معناداری را بینشان نشان می‌داد ( $r = ۰/۸۳۳$ ،  $p < ۰/۰۰۱$ ).

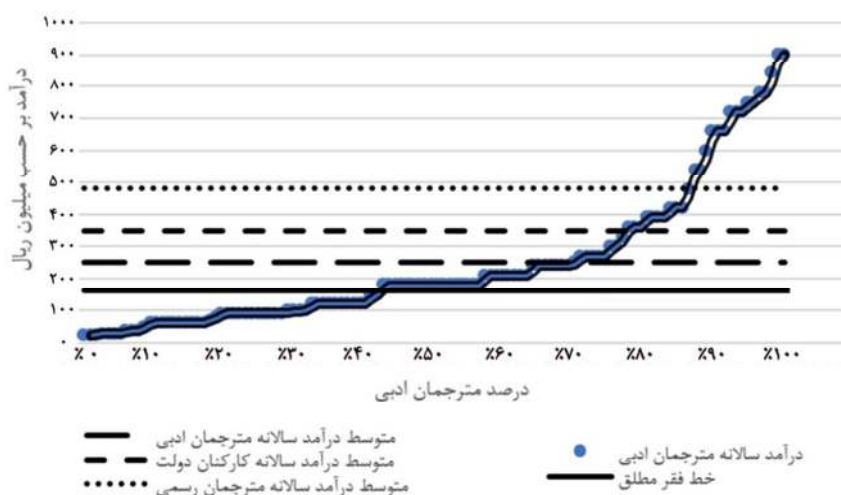
پاسخگویان ۴/۷ سال را به طور میانگین در تحصیلات عالی گذرانده بودند، به این ترتیب که ۶/۸٪ دارای دیپلم متوسطه، ۰/۸٪ دارای مدرک کاردانی، ۵۲/۵٪ دارای مدرک کارشناسی، ۳۵/۶٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد، و ۴/۲٪ دارای مدرک دکتری بودند. کمتر از نیمی از این مدارک (۴۳/۲٪) به ترجمه مربوط بودند (رشته‌های زبان و ادبیات خارجی، زبان‌شناسی، ترجمه‌پژوهی و سایر رشته‌های مرتبط). بیشتر این مدارک در ایران و ۱۲/۷ درصدشان از کشورهای خارجی، از جمله انگلستان، فرانسه، آلمان، هند، مالزی، رومانی، روسیه، اسپانیا، ترکیه، اوکراین و ایالات متحده کسب شده بودند.

شرکت‌کنندگان در پژوهش به طور میانگین ۱/۱۷ جایزه بابت فعالیت ترجمه‌ی ادبی دریافت کرده و در ۱/۹۳ هیئت داوری و یا هیئت تحریریه عضو بودند.

همان طور که در بخش ۳.۲ توضیح داده شد، فاصله‌ی شغلی سه مقدار می‌پذیرفت: صفر، اگر پاسخگو فقط مترجم ادبی باشد؛ یک، اگر پاسخگو به غیر از ترجمه‌ی ادبی شغل دیگری مرتبط با ترجمه داشته باشد، مانند تدریس ترجمه تدریس زبان خارجی، ویراستاری و مانند این‌ها؛ و دو، اگر پاسخگو به غیر از ترجمه‌ی ادبی شغل دیگری نامرتبط با ترجمه داشته باشد. در میان پاسخگویان، درآمد ۴۱/۵٪ فقط از ترجمه‌ی ادبی به دست می‌آمد، ۵۳/۴٪ شغل دیگری هم داشتند که مرتبط با ترجمه بود و ۵/۱ درصد دارای شغل دوم نامرتبط با ترجمه بودند. با وجود این، ۹۸/۳ درصد ۱۱۸ مترجم ادبی مصاحبه‌شده در طول دوره‌ی کاری خود دست کم یک بار شغل دوم را تجربه کرده بودند.

میانگین درآمد ترجمه‌ی ادبی در سال ۲۴۴ میلیون ریال، در ماه ۲۰/۳ میلیون ریال و در ساعت ۱۵۰۴۰۸ ریال بود. این اعداد بر اساس بر اساس ساعات کاری اعلام شده و درآمد اعلام شده در ازای مدت مشخص گزارش شده‌اند. برای ارائه‌ی تصویری کلی از جایگاه درآمدی مترجمان ادبی در بازار کار ایران می‌توان به شکل ۱ نگاه کرد. شکل ۱ درآمد سالانه‌ی مترجمان ادبی، میانگین درآمد کارکنان دولت در مدت مشابه (متوسط درآمد کارکنان دولت، ۱۳۹۷) و متوسط درآمد مترجمان رسمی (استعلام پژوهشگر از قانون مترجمان ایران) را، در کنار خط فقر مطلق (شهبازیان و همکاران، ۱۳۹۷)، با هم مقایسه می‌کند.

شکل ۱. وضعیت درآمدی مترجمان ادبی



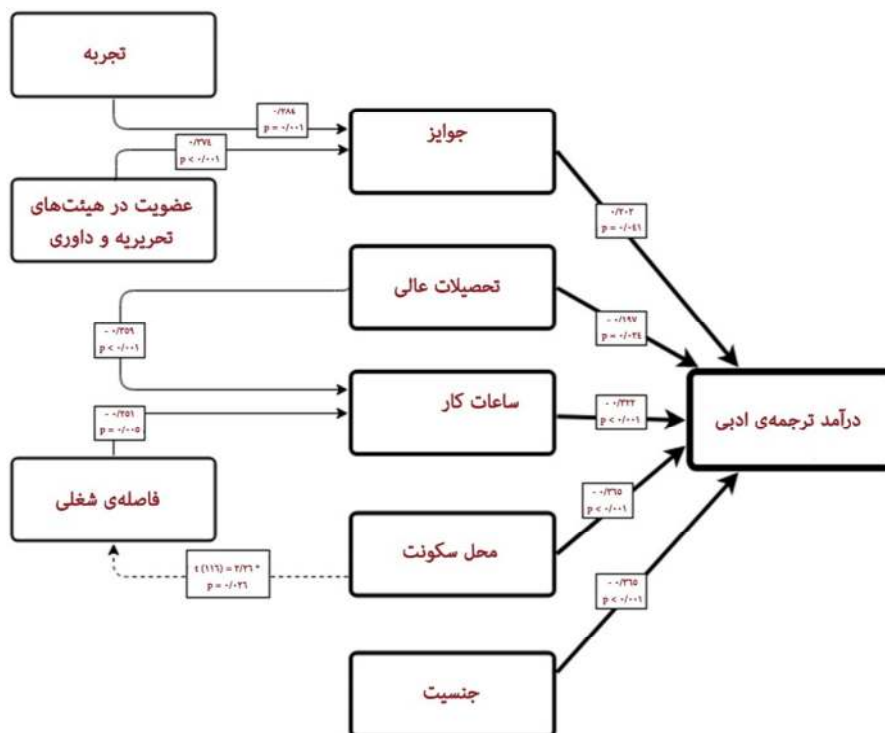
#### منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که شکل ۱ نشان می‌دهد، کمترین و بیشترین درآمد سالانه به ترتیب ۲۴ و ۹۰۰ میلیون ریال است. افزون بر این، متوسط درآمد سالانه‌ی مترجمان ادبی حدود ۲۴۴ میلیون ریال است که حدود ۷۰ درصد مترجمان درآمدی پایین‌تر از این مقدار دارند. می‌توان نتیجه گرفت که مترجمان ادبی دچار نابرابری درآمدی هستند. همین موضوع در بازارهای کار هنرمندان نیز مشاهده شده است (مثلاً، Alper and Wassall, 2006). اما آنچه در این شکل دیده می‌شود فراتر از درآمد عموماً پایین یا نابرابری درآمدی است و پژوهشگران مختلف آن را به شیوه‌های گوناگون توضیح داده‌اند. فری (۱۹۹۷) و توس

(۲۰۰۱) معتقدند هنرمندان تا اندازه‌ای برای پول کار می‌کنند و انگیزه‌های درونی و غیرمادی است که آن‌ها را به پیش می‌راند و باعث می‌شود در ازای درآمد پایین کار کنند. مفهوم مشابه دیگری که ارتباط نزدیکی با نابرابری درآمدی دارد مفهوم ستارگی (Rosen, 1981) و بازار برنده صاحب همه چیز (Frank and Cook, 1995) است، به این معنی که توزیع درآمد در این بازارها بسیار نامتوازن است و فقط چند ستاره صاحب درآمدهای بسیار بالا می‌شوند در حالی که بسیاری دیگر با درآمدهای اندکی سر می‌کنند و دنباله‌ی دراز نمودار درآمدی را شکل می‌دهند (Towse, 2010: 306-308). همین روند را در شکل ۱ نیز می‌توان مشاهده کرد، در نتیجه بازار کار مترجمان ادبی از نظر توزیع درآمدی نیز مشابه بازار کار هنرمندان به نظر می‌رسد.

#### ۲.۴ برآورد تابع درآمد مترجمان ادبی

برای یافتن عوامل مؤثر در تعیین درآمد ترجمه‌ی ادبی پاسخگویان از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. بنابراین، همان طور که در بخش ۳.۲ اشاره شد، متغیر وابسته معادل نرخ ساعتی ترجمه‌ی ادبی است و متغیرهای مستقل عبارت‌اند از تجربه، مربع تجربه، جوایز، عضویت در هیئت‌های تحریریه و داوری، مدت تحصیلات عالی، جنسیت، فاصله‌ی شغلی، ساعات کار بر ترجمه‌ی ادبی، و محل سکونت. نتایج در جدول ۱ و شکل ۲ آمده است.



شکل ۲. عوامل مؤثر در درآمد ترجمه‌ی ادبی (تفاوت معنادار در فاصله‌ی شغلی بین تهران‌نشینان (۰/۶۹)  $M = 0/58$ ,  $SD = 0/38$  و غیرتهران‌نشینان ( $M = 0/50$ ,  $SD = 0/38$ ). منبع: یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۱ آمده است، از میان ۵ متغیر مستقل که وارد تحلیل رگرسیون شدند، ۵ متغیر توانستند اثر معنادار خود را در تعیین متغیر وابسته نشان دهند. تجربه، عضویت در هیئت‌های تحریریه و داوری و فاصله‌ی شغلی اثر معناداری در تعیین معادل نرخ ساعتی ترجمه‌ی ادبی نداشتند.

اما اگر تمامی متغیرهای دیگر ثابت نگه داشته شوند، هر جایزه‌ای که مترجم ادبی بگیرد، نرخ ساعتی ترجمه‌ی ادبی‌اش را حدود ۱۵ درصد افزایش می‌دهد. البته، وقتی تعداد جوایز به عنوان متغیر وابسته و تجربه، جنسیت، عضویت در هیئت‌های تحریریه و داوری، فاصله‌ی شغلی و ساعات کاری را به عنوان متغیر مستقل وارد رگرسیون کنیم، نتیجه این است که تجربه و عضویت در هیئت‌های تحریریه و داوری اثر معنادار و مثبتی در تعیین تعداد جوایز دارند (ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۲۳۳). به عبارت دیگر، اگرچه تجربه و عضویت در هیئت‌های تحریریه و داوری اثر مستقیمی در معادل نرخ ساعتی ترجمه‌ی ادبی

ندارند، نقش مثبت غیرمستقیمی در تعیین آن ایفا می‌کنند. اثر تجربه و عضویت در هیئت‌های تحریریه و داوری بر تعداد جوایز دریافتی از یک طرف و اثر تعداد جوایز دریافتی بر معادل نرخ ساعتی از طرف دیگر را می‌توان مسیری دانست که در طی آن اشکال سرمایه‌ی اجتماعی و انسانی به سرمایه‌ی نمادین و از آن جا به سرمایه‌ی اقتصادی بدل می‌شوند.

ضریب رگرسیون تحصیلات عالی نشان می‌دهد که اگر مترجم ادبی یک سال به طول تحصیلات عالی اش بیفزاید نرخ ساعتی دریافتی اش ۱۰٪ کاهش می‌یابد، مشروط بر این که سایر شرایط ثابت باشد. بسیاری از پژوهش‌های درباره‌ی بازار کار هنری سعی کرده‌اند اهمیت سرمایه‌ی انسانی در درآمد هنرمندان را ارزیابی کنند (مثلاً، Wassall and Alper, 1985؛ Withers, 1985؛ Throsby, 1992؛ برای دستیابی به مرور مقالاتی در این باره نگاه کنید به Towse, 2006) و بیشترشان به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه‌ی انسانی اثر ضعیفی در درآمد هنرمندان دارد. تحلیل پیم و همکاران (۲۰۱۲) بر مترجمان آزاد و حقوق‌بگیر نشان می‌دهد که تجربه و مدت تحصیلات عالی اثر مستقیم مثبتی بر معادل درآمد تمام‌وقت مترجمان دارند اما در همان پژوهش تجربه هیچ اثر معناداری بر معادل نرخ ساعتی نشان نمی‌دهد. بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر مدت تحصیلات عالی اثری مستقیم و منفی بر معادل نرخ ساعتی دارند و تجربه هیچ اثر مستقیم معناداری نشان می‌دهند. تفاوت موجود میان یافته‌های پژوهش حاضر و پژوهش پیم و همکاران (۲۰۱۲) می‌تواند ناشی از تفاوت در جمعیت مورد مطالعه باشد که در پژوهش حاضر فقط محدود به مترجمان ادبی و در پژوهش پیم و همکاران در برگیرنده‌ی طیف وسیعی از مترجمان، فارغ از تخصص ترجمه‌شان، است.

متغیری که به نظر می‌رسد بیشترین اثر را بر معادل نرخ ساعتی ترجمه‌ی ادبی داشته باشد، محل سکونت است. به عبارت دیگر، اگر سایر شرایط ثابت باشند، نرخ ساعتی مترجم ادبی تهران‌نشین حدود ۱۴۵ درصد بیشتر از مترجم ادبی ساکن غیرتهران است. این نتیجه با شدت بسیار کمتری همسو با یافته‌های پیم و همکاران (۲۰۱۲) است مبنی بر این که در شرایط ثابت، مترجمان ساکن پاریس ۲ تا ۳ درصد بیشتر از سایر مترجمان درمی‌آورند، هم در درآمد تمام‌وقت و هم در درآمد ساعتی.

متغیر اسمی دیگر جنسیت مترجمان ادبی است. نتایج نشان می‌دهند که در شرایط یکسان، معادل نرخ ساعتی ترجمه‌ی ادبی برای مترجم زن ۱۲۲ درصد کمتر از مقدار آن

برای مترجم مرد است. این نتیجه همسو با نتایج پژوهش‌های مرتبط درباره‌ی بازارهای کار هنری و ترجمه است (مثلاً، Pym et al., 2012؛ Alper and Wassall, 2006).

آخرین متغیری که اثر معناداری در معادل نرخ ساعتی ترجمه‌ی ادبی دارد ساعات کار در ماه است. در شرایط یکسان، به ازای هر ۱۰ ساعت که مترجم ادبی به ساعات کار ماهانه‌ی خود بیفزاید، نرخ ساعتی اش ۰/۵٪ کم می‌شود. اگر تعداد ساعات کار در ماه را به عنوان متغیر وابسته و تجربه، تعداد جوایز، عضویت در هیئت‌های تحریریه و داوری، جنسیت، محل سکونت، تحصیلات عالی و فاصله‌ی شغلی را به عنوان متغیرهای مستقل وارد رگرسیون خطی چندگانه کنیم، نتیجه نشان می‌دهد که فاصله‌ی شغلی و تحصیلات عالی اثر معنادار منفی بر متغیر وابسته دارند (ضریب تعیین تعدیل شده =  $0/201$ ). این نتیجه گویای آن است که مترجمان ادبی دارای مدارک تحصیلی بالاتر زمان کمتری را صرف ترجمه‌ی ادبی می‌کنند، که ممکن است به دلیل صرف وقت بیشتر در مشاغل مرتبط با ترجمه باشد، مانند تدریس ترجمه یا زبان خارجی. این نکته را نیز باید گفت که با انجام آزمون تی به منظور بررسی تفاوت‌های احتمالی میان مترجمان ادبی ساکن تهران و غیرتهران روشن شد که مترجمان ادبی تهران نشین نسبت به سایر هم‌تایان خود میانگین فاصله‌ی شغلی بیشتری دارند. بنابراین، شاید بتوان گفت که فاصله‌ی شغلی به رغم آن که اثر مستقیمی در معادل نرخ ساعتی ندارد، نقشی غیرمستقیم در تعیین آن ایفا می‌کند. با همه‌ی این‌ها، اثر منفی و مستقیم ظاهراً کم‌جان تعداد ساعات کار در ماه در تعیین معادل نرخ ساعتی ترجمه‌ی ادبی ممکن است بیان‌گر این باشد که درآمدها با افزایش زمان کار افزایش نمی‌یابند. شاید موضوع این باشد: همین که یک مترجم ادبی به موقعیت پایداری برسد دیگر درآمدها با افزایش زمان کار افزایش نمی‌یابد.

باید این نکته را افزود که تمامی متغیرهای مستقل از نظر هم‌خطی چندگانه (Multicollinearity) بررسی شدند. مقادیر آماره‌ی تحمل یا تولرانس (Tolerance) همگی بالای ۰/۱ بود، در نتیجه هیچ هم‌پوشی معناداری میان متغیرهای مستقل وجود ندارد، به جز تجربه و مربع تجربه که انتظارش هم می‌رود.

افزون بر این برای بررسی تفاوت احتمالی مترجمان ادبی زن و مرد در هر یک از متغیرهای مستقل نیز از آزمون تی استفاده شد. نتایج نشان دادند که هیچ تفاوتی میان این دو گروه در متغیرهای مستقل وجود ندارد.

سرانجام آن که معادله درآمدی حاصل در سطح ۰/۱ درصد معنی دار است و آماره F برابر است با  $F(9, 108) = 6/963$  (۶/۹۶۳). ضریب تعیین تعدیل شده برای رگرسیون خطی چندگانه که در این مقاله به کار رفته است مقدار ۰/۳۱۴ بود که نشان می‌دهد حدود ۳۱٪ از تغییرات درآمد ساعتی ترجمه‌ی ادبی را می‌توان با مدل رگرسیون پیشنهادی، متشکل از متغیرهای مستقل گفته‌شده، توضیح داد. اما با توجه به ادبیات موجود، این ضریب تعیین به گفته‌ی پیم و همکاران (۲۰۱۲: ۱۰۵) آن‌قدرها «خجالت‌آور» نیست، چرا که ضریب تعیین تعدیل شده در مدل‌های پیشنهادی آن‌ها بین ۰/۰۹۴۳ تا ۰/۱۹۴۷ بود و ضرایب تعیین تعدیل شده‌ای که الپر و واسال (۲۰۰۶: ۸۴۴) برای ۱۲ تابع درآمدی هنرمندان و سایر شاغلان گزارش کردند بین ۰/۱۳۹ تا ۰/۳۶۶، با میانگین ۰/۲۲۱، بود.

جدول ۱ - نتایج رگرسیون خطی چندگانه: عوامل تعیین‌کننده‌ی معادل نرخ ساعتی ترجمه‌ی ادبی.

متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد	t	معناداری	ضریب بر حسب درصد
	B	خطای استاندارد	$\beta$			
(مقدار ثابت)	۱۲/۱۲۴	۰/۵۹۷		۲۰/۳۲۱	۰/۰۰۰ ***	-
تجربه	۰/۰۵۷	۰/۰۴۳	۰/۶۱۲	۱/۳۳۹	۰/۱۸۳	۵/۸۷
مربع تجربه	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	-۰/۴۳۷	-۰/۹۶۱	۰/۳۳۹	-۰/۱۰
جوایز	۰/۱۴۲	۰/۰۶۹	۰/۲۰۲	۲/۰۷۱	۰/۰۴۱ **	۱۵/۲۶
عضویت در هیئت‌های تحریریه و داوری	۰/۰۲۲	۰/۰۳۲	۰/۰۵۹	۰/۶۹۲	۰/۴۹۱	۲/۲۲
تحصیلات عالی	-۰/۰۹۲	۰/۰۴۰	-۰/۱۹۷	-۲/۲۹۱	۰/۰۲۴ **	-۹/۶۴
ساعات کار در ماه	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	-۰/۳۲۲	-۳/۶۳۷	۰/۰۰۰ ***	-۰/۵۰
جنسیت	-۰/۷۹۶	۰/۱۷۹	-۰/۳۶۵	-۴/۴۵۳	۰/۰۰۰ ***	-۱۲۱/۶۷
محل سکونت	-۰/۸۹۷	۰/۲۱۱	-۰/۳۶۵	-۴/۲۴۴	۰/۰۰۰ ***	-۱۴۵/۲۲
فاصله‌ی شغلی	-۰/۲۴۹	۰/۱۴۲	-۰/۱۵۳	-۱/۷۵۷	۰/۰۸۲	-۲۸/۲۷

منبع: یافته‌های پژوهش

\*\* معنی داری در سطح ۵ درصد، \*\*\* معنی داری در سطح ۰/۱ درصد.



## ۵. نتیجه‌گیری

بازار کار مترجمان ادبی وجوه مشترک بسیاری با بازار کار هنرمندان دارد اما پژوهشگران اقتصاد فرهنگ که بازارهای کار هنرمندان را بررسی می‌کنند، عموماً مترجمان ادبی را نادیده گرفته‌اند، چرا که این پژوهشگران بیشتر اهل کشورهای هستند که به چند زبان مرکزی نظام جهانی ترجمه سخن می‌گویند، کشورهای که ترجمه سهم ناچیزی از کتاب‌های منتشرشده‌شان دارد. اما هنگامی که از درون کشوری به موضوع نگاه کنیم که زبانش در نظام جهانی ترجمه جایگاهی حاشیه‌ای دارد، نمی‌توانیم مترجمان را نادیده بگیریم، چرا که چنین مترجمانی نقش برجسته‌ای در شناساندن ایده‌های نو و شکل‌دهی به ادبیات بازی می‌کنند. هدف از این مقاله، کشف ویژگی‌هایی از بازار کار مترجمان ادبی بود که در درآمدشان اثر می‌گذاشت. یافته‌ها نشان می‌دهند که ویژگی‌های مشترک متعددی میان توابع درآمدی مترجمان ادبی و هنرمندان وجود دارد، در حالی که تابع درآمدی مترجمان ادبی با تابع درآمدی کل مترجمان از شاخه‌های گوناگون دارای اختلافاتی است. به نظر می‌رسد خلاقیت موجود در حرفه‌ای مانند ترجمه‌ی ادبی، در مقایسه با ترجمه‌ی حقوقی یا رسمی، می‌تواند باعث شود بازار کار ترجمه ادبی از الگوهای شغلی بازار کار هنری پیروی کند.

یافته‌ها نشان دادند که از میان متغیرهای تجربه، تعداد جوایز، عضویت در هیئت‌های تحریریه و داوری، مدت تحصیلات عالی، ساعات کار، جنسیت، محل سکونت و فاصله‌ی شغلی، تنها متغیر دارای اثر مثبت و مستقیم بر معادل نرخ ساعتی ترجمه‌ی ادبی متغیر تعداد جوایز دریافتی است که خود تحت تأثیر مستقیم دو متغیر تجربه و عضویت در هیئت‌های تحریریه و داوری است. در نتیجه، می‌توان گفت که اشکالی از سرمایه‌ی انسانی و سرمایه‌ی اجتماعی به طور غیرمستقیم و شکلی از سرمایه‌ی نمادین به طور مستقیم بر درآمد مترجم ادبی اثر می‌گذارند.

در عین حال، تحصیلات عالی و ساعات کار در ماه اثر مستقیم و منفی بر درآمد ساعتی ترجمه‌ی ادبی دارند، مترجمان ادبی زن از هم‌تایان مرد خود درآمد کمتری کسب می‌کنند و مترجمان ادبی تهران‌نشین از همکاران غیرتهران‌نشین درآمد بیشتری دارند.

در نبود اثر مثبت و مستقیم متغیرهای سرمایه‌ی انسانی مانند تجربه و تحصیلات، به نظر می‌رسد بیشتر مترجمان ادبی طوری رشد کرده‌اند که استعدادی برای ادبیات و زبان داشته باشند و همین باعث شده در بزرگسالی پیگیر علاقه‌ی خود باشند، خود را به محافل مترجمان با تجربه‌تر پیوند بزنند، در خوانش‌های انتقادی متون معتبر شرکت کنند و روابط

خود را به این ترتیب گسترش و بهبود دهند. یافته‌های مربوط به سرمایه‌ی انسانی و اهمیت اندک‌تر در درآمد کار خلاق نیاز به پژوهش‌های ژرف‌تری درباره‌ی ویژگی‌های اثرگذارتر در درآمد مترجمان ادبی را نیز نشان می‌دهد. بنا بر گفته‌ی ویدرز، از آن جایی که متغیرهای سرمایه‌ی انسانی نقشی «نه چندان مهم» دارند، درآمد کار خلاق ممکن است تحت تأثیر «ویژگی‌های درونی فردی» مانند «انگیزه»، «استعداد» و «شانس» باشد (Withers, 1985: 294). بنابراین، این حوزه هم‌چنان نیازمند پژوهش بیشتر برای تعیین بخش‌های سازنده‌ی این ویژگی‌های درونی است.

در مجموع می‌توان گفت که بازار کار مترجمان ادبی ایران ویژگی‌های متعدد مشترکی با بازار کار هنری دارد. به عبارت دیگر، اقتصاددانان فرهنگ می‌توانند در توصیف و توضیح ویژه‌بودن بازارهای کار ترجمه‌ی ادبی، علاوه بر بازار کار هنری، کمک کنند. این مقاله امید دارد رابطه‌ی پرثمر میان ترجمه‌پژوهی، به خصوص زیرشاخه‌ی مترجم‌پژوهی (Chesterman, 2009)، و اقتصاد فرهنگ را نشان داده باشد چرا که یافته‌های آتی در هر یک از این رشته‌ها می‌توانند در توضیح رشته‌ی دیگر به کار آیند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری نویسنده اول با عنوان «اقتصاد ترجمه، بررسی بازار کار مترجمان ایران به مثابه طبقه خلاق» در گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اصفهان است.
۲. بنا به گزارش خانه کتاب تنها در سال ۱۳۹۷ بیش از ۴۱۰۰ عنوان کتاب ادبی چاپ اول در کشور منتشر شده است.
۳. مهشید نونهالی، مترجم زبان فرانسوی، معتقد است مترجمان خوب باید شغل دوم داشته باشند تا زندگیشان بگذرد و آن دسته از مترجمان ادبی که شغل دوم ندارند گاه به گاه با دشواری‌های مالی روبه‌رو می‌شوند (وفایی، ۱۳۹۴).
۴. همان‌طور که در ابتدای مقاله آمد بیشتر پژوهش‌های بازار هنر در اقتصاد هنر، مانند پژوهش تراسبی و پتسکایا (Petetskaya) (۲۰۱۷)، مترجمان را بررسی نکرده‌اند در حالی که به مشاغل مشابه مانند نویسندگی پرداخته‌اند.

## کتابنامه

- دادگر، یدالله (۱۳۹۵). پیش درآمدی بر ملاحظات میان‌رشته‌ای اقتصاد. *مجله اقتصاد تطبیقی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان. ۷۱-۴۵
- شهبازیان، الف، عبداللهی، م، عینیان، م، و کاویانی، ز. (۱۹ آذر ۱۳۹۷). برآورد خط فقر در شش ماه نخست ۱۳۹۷. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1090439>
- متوسط درآمد کارکنان دولت چقدر است. (۲۶ دی ۱۳۹۶). <https://www.khabaronline.ir/news/746264>
- وفایی، ص. (۱۳۹۴). مترجمی نباید تنها شغل مترجمان باشد / کتابخوانی کم و ممیزی زیاد است. خبرگزاری مهر: <https://www.mehrnews.com/news/2871842>

- Abbing, H. (2002). *Why Are Artists Poor? The Exceptional Economy of the Arts*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Alper, N. O., & Wassall, G. H. (2006). Artists' careers and their labor markets. In V. Ginsburgh, & D. Throsby, *Handbook of the Economics of Art and Culture, Volume 1* (pp. 813-864). Elsevier. doi:10.1016/S1574-0676(06)01023-4
- Bourdieu, P. (1986). Forms of capital. In J. G. Richardson, *Handbook of theory and research for the sociology of education* (pp. 241-255). Retrieved from [http://faculty.georgetown.edu/irvinem/theory/Bourdieu-Forms\\_of\\_Capital.html](http://faculty.georgetown.edu/irvinem/theory/Bourdieu-Forms_of_Capital.html)
- Casanova, P. (2002, September). Consécration et accumulation de capital littéraire. *Actes de la recherche en sciences sociales. Traductions: les échanges littéraires internationaux*, 144(4), 7-20. doi:10.3917/arss.144.0007
- Chan, A. (2008). *Information economics, the translation profession and translator certification* (Doctoral dissertation, Intercultural Studies Group, Universitat Rovira i Virgili, Tarragona, Spain). Retrieved from <http://tdx.cat/handle/10803/8772>
- Chesterman, A. (2009). The name and nature of translator studies. *Hermes – Journal of Language and Communication Studies*, 42, 13-22. doi:10.7146/hjlc.v22i42.96844
- Financial Tribune. (2017, December 25). *Iran's Women Labor Force Participation Lowest Worldwide*. Retrieved from Financial Tribune: <https://financialtribune.com/node/78671>
- Fock, H., Haan, M., & Lhotová, A. (2008). *Comparative income of literary translators in Europe*. Brussels: Conseil Européen des Associations de Traducteurs Littéraires. Retrieved from <http://www.ceatl.eu/docs/surveyuk.pdf>
- Frank, Robert and Philip Cook. 1995. *The Winner-Take-All Society: Why the Few at the Top Get So Much More than the Rest of Us*. New York: The Free Press.
- Frey, B. S. (1997). *Not just for the money. An economic theory of personal motivation*. Cheltenham, UK: Edward Elgar Publishing Company.

- Gazzola, M., Grin, F., & Wickström, B.-A. (2016). A concise bibliography of language economics. In M. Gazzola, & B.-A. Wickström, *The economics of language policy* (pp. 53-92). Cambridge, MA: The MIT Press.
- Heilbron, J., & Sapiro, G. (2007). Outline for a sociology of translation: current issues and future prospects. In M. Wolf, & A. Fukari, *Constructing a sociology of translation* (pp. 93-107). Amsterdam: John Benjamins. doi:10.1075/btl.74.07hei
- Heilbron, J., & Sapiro, G. (2016). Translation: Economic and Sociological Perspectives. In V. Ginsburgh, & S. Weber, *The Palgrave Handbook of Economics and Language* (pp. 373-402). London: Palgrave Macmillan. doi:10.1007/978-1-137-32505-1\_14
- ILO. (2019, April). *Labor force participation rate, female*. Retrieved from The World Bank: <https://data.worldbank.org/indicator/SL.TLF.CACT.FE.ZS>
- Menger, P. M. (2001). Artists as workers: theoretical and methodological challenges. *Poetics*, 28(4), 241-254. doi:10.1016/S0304-422X(01)80002-4
- Menger, P. M. (2006). Artistic labor markets: contingent work, excess supply and occupational risk management. In V. Ginsburgh, & D. Throsby, *Handbook of the economics of art and culture, volume 1* (pp. 765-811). Elsevier. doi:10.1016/S1574-0676(06)01022-2
- Mincer, J. (1974). *Schooling, Experience and Earnings*. New York: National Bureau of Economic Research.
- Pym, A., Grin, F., Sfreddo, C., & Chan, A. (2012). *The status of the translation profession in the European Union*. European Commission.
- Rosen, Sherwin. 1981, December. "The Economics of Superstars." *The American Economic Review* 71(5): 845-858.
- Santos, F. (1976). Risk, uncertainty and the performing artist. In M. Blaug, *The Economics of the Arts* (pp. 243 - 259). London: Robertson.
- Throsby, D. (1992). Artists as workers. In R. Towse, & A. Khakee, *Cultural Economics* (pp. 201-208). Berlin: Springer. doi:10.1007/978-3-642-77328-0\_20
- Throsby, D. (1994a). A Work-Preference Model of Artist Behaviour. In A. Peacock, & Rizzo, I., *Cultural economics and cultural policies* (pp. 69-80). The Netherlands: Kluwer Academic Publishers. doi:10.1007/978-94-011-1140-9\_6
- Throsby, D. (1994b, March). The production and consumption of the arts: a view of cultural economics. *Journal of Economic Literature*, 32(1), 1-29.
- Throsby, D., & Petetskaya, K. (2017). *Making Art Work: A summary and response by the Australia Council for the Arts*. Australia Council for the Arts. Retrieved from <https://australiacouncil.gov.au/research/making-art-work/>
- Throsby, D., & Zednik, A. (2010). *Do you really expect to get paid?* New South Wales: Australia Council for the Arts. Retrieved from [http://www.australiacouncil.gov.au/workspace/uploads/files/research/do\\_you\\_really\\_expect\\_to\\_get\\_pa-54325a3748d81.pdf](http://www.australiacouncil.gov.au/workspace/uploads/files/research/do_you_really_expect_to_get_pa-54325a3748d81.pdf)
- Throsby, D., & Zednik, A. (2011, March). Multiple job-holding and artistic careers: some empirical evidence. *Cultural Trends*, 20(1), 9-24. doi:10.1080/09548963.2011.540809

- Towse, R. (2001). Partly for the money: rewards and incentives to artists. *Kyklos*, 54, 473-490. doi:10.1111/1467-6435.00165
- Towse, R. (2006). Human capital and artists' labour markets. In V. Ginsburgh, & D. Throsby, *Handbook of the Economics of Art and Culture, Volume 1* (pp. 865-894). Elsevier. doi:10.1016/S1574-0676(06)01024-6
- Towse, R. (2014). *Advanced introduction to cultural economics*. Cheltenham, UK: Edward Elgar.
- Towse, Ruth 2010. *A Textbook of Cultural Economics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Venuti, L. (1995). *The translator's invisibility. A history of translation*. London and New York: Routledge.
- Wassall, G., & Alper, N. (1985, June). Occupational characteristics of artists: a statistical analysis. *Journal of Cultural Economics*, 9(1), 13-34. doi:10.1007/BF02267486
- Withers, G. (1985, December). Artists' subsidy of the arts. *Australian Economic Papers*, 24(45), 290-295. doi:10.1111/j.1467-8454.1985.tb00117.x